

تأثیر زمان و مکان در قوانین

« ۸ »

قوانین انگلستان بطور کلی مرکب است از قوانینی که برخی از آن اثر بعضی دیگر است و بدو دسته تقسیم میشود .

۱ - قوانین آمره .

۲ - قوانین عمومی یا عرف و عادت .

قوانین آمره عبارتند از قوانینی که از طرف قوه مقننه وضع و باکمال دقت تدوین گردیده و در وضع آن کلیه جهات و اوضاع و احوال کشورهای مختلف امپراطوری انگلیس در نظر گرفته شده و با مقتضیات آنها توافق دارد و از این جهت در کشورهای مستعمره بریتانیا که در موقع تصویب قانون جزء امپراطوری نبوده اند قابل اجرا و استفاده نمیباشند .

قوانین عمومی یعنی قوانین غیر مدونی که در اثر عرف و عادت پیدا شده است این دسته از قوانین کشور انگلستان مخلوطی از مقررات متباین و متناقض است که سبانی و اصول صحیح با مقررات و احکام فاسد و مضر جمع شده و بصورت هذیان و سفسطه درآمده است بطوریکه کسی نمیتواند پی ببرد که منظور از این قوانین چه بوده و منافع کدام ملتی را خواسته تأمین نماید ؟

مثلاً یکی از عیوب بزرگی که در قانون جزای انگلستان وجود دارد این است که در آن رعایت نظم و ترتیب نشده و طبقه بندی جرایم در آن ملحوظ نگردیده است :

بیشتر جرایم مهم دارای اسم و عنوان نیست در صورتیکه برای جرایم غیر مهم تمام جهات رعایت شده و نظم و ترتیب خاصی در نظر گرفته شده است یا مثلاً برای بسیاری از اعمال مضر و زیان بخش مجازات تعیین نگردیده و بالعکس جهت جرایم عادی و خلاف های غیر مهم کیفر مخصوص معین شده است .

بطور کلی تناسب بین جرم و مجازات رعایت نشده و در بعضی از موارد اصولاً رابطه علیت میان جرم و مجازات ملحوظ نگردیده است ، مجازات اعدام یعنی مجازاتی که غیر قابل جبران است اولاً نسبت به همه مردم یکسان اجرا نمیشود و ثانیاً مجازاتی است که برخلاف تمایل ملت بعد افرات اجراء میگردد در این قانون توجهی بمعافیت مجازات در موارد مخصوصه و همچنین رعایت کیفیات تخفیف و مشدده نگردیده و اصول ثابت و صحیحی برای تشخیص جرایم یا جبران آن دیده نمیشود .

هر گاه یکی از قانون گزاران انگلیس بگویند آیا این اصل صحیح است که :

تأثیر زمان و مکان در قوانین

« هر قدر جرم بزرگتر باشد مجازات آن باید خفیفتر باشد ! » مسلماً خواهد گفت که این قاعده ظالمانه شباهت بهذیان دارد و خواهد گفت که مفهوم این قاعده مثل اینست که حقایق را برای سرگرمی کودکان وارونه و برخلاف حقیقت جلوه دهند !

مثل این است که عکس دزدی را بکشند که دادسی را محاکمه میکند یا گوسفند را تصویر نمایند که طباحی را بدیگ انداخته باشد، خلاصه چنین قاعده‌ای فقط ممکن است در میان ملت های وحشی و عقب افتاده قابل عمل و اجرا باشد .

لیکن حقیقت این است که نظایر این اصل در موارد بسیاری از قوانین عمومی انگلستان وجود دارد و نمی توان آنرا انکار نمود از آن جمله قانونی است که طبق آن هر گاه کسی یک چشم دیگری را کور کند، مجنی علیه میتواند با اقامه دعوی خصوصی ضرر و زیان وارده را مطالبه نماید ولی اگر هر دو چشم او را کور نماید حق اقامه دعوی خصوصی از وی سلب شده و فقط بوسیله اقامه دعوی عمومی مجرم محکوم پرداخت جزای نقدی خواهد شد که وجوه آن تمام متعلق به خزانه دولت بوده و مجنی علیه سهمی از آن نخواهد داشت !

یا اگر کسی اسب دیگری را تلف کند ملزم است قیمت آنرا بصاحبش رد نماید لیکن هر گاه فرزند او را بقتل رساند پدر حق مطالبه دیه ندارد و دیه مذکور متعلق بدولت خواهد بود !

یا اگر کسی حریق ایجاد نماید که موجب ضرر دیگری گردد در اینصورت هر گاه حریق غیر عمدی باشد مرتکب ملزم بجزای خسارات وارده است ولی چنانچه عمدی باشد شخص زیان دیده حق جبران خسارات را ندارد و اگر مجرم صاحب اموالی باشد دولت آنرا بمیزان خسارات وارده ضبط خواهد نمود و چه بسا ممکن است بجیب کسی ریخته شود که استحقاق آنرا نداشته است !

بعضی از طرفداران این قانون معتقدند که اجراء این رویه تأثیری در اصل مجازات ندارد و وجوه حاصله از جرم چه بمدعی خصوصی برسد و چه بخزانه عمومی یکسان است و برای تشبیه و مجازات مجرم تفاوتی نخواهد داشت .

میگویند پس از وقوع جرم آنچه عدالت حکم میکند این است که جرم بدون مجازات نماند و خسارات وارده جبران گردد اعم از اینکه از جبران آن و اجراء مجازات حسن استفاده کند یا قتی، تفاوتی نخواهد داشت .

بنظر من بهترین دلیلی که می تواند طرفداران این نوع استدلال را قانع کند این است که کلیه مطالبات و دیونی که آنها طبق قرارداد های خصوصی از دیگران دارند بفتح خزانه عمومی اخذ و ضبط گردد زیرا بنظر آنان مقصود وصول طلب است چه به کیسه آنها برود و چه بخزانه عمومی ! فرقی نخواهد داشت .

اما نواقص و عیوبی که در آئین دادسی مدنی و طول جریان دعاوی و اشکالات و موانعی که در طی مراحل مختلف محاکمات وجود دارد و تشریفات و مقررات غلطی که معمول میباشد، بحث جدا گانه مفصلی است که شرح و بسط آن در اینجا غیر مقدور میباشد .

تأثیر زمان و مکان در قواین

هرچند استقامت ، پآکی ، استقلال و آزادی قضات انگلیس و حریت وجدان آنها در اجرای عدالت و جریان دادرسی مؤثر میباشد لیکن بدیهی است که همه دعاوی ساده و مختصر و روشن نیست و مقررات دادرسی از جمله اموری است که باید قانون گزار بنحو خاصی مورد توجه قرار دهد .

برای اینکه وضع اقامه دعوی و چگونگی جریان دادرسی محاکم انگلستان روشن شود ، حکایت زیر را مناسب است نقل نمائیم .

شخصی بن اظهار کرد دو فرزند دارم که بر سبب بازی باهم اختلاف و دعوی پیدا کرده اند فرزند بزرگتر آنها تصرف کرده و مدعی است که برادر کوچکش آنها بعنوان هدیه باو داده است ولی برادر کوچکتر منکر این موضوع بوده و آنها مطالبه می نماید ، من از چه راهی وارد شوم که بحقیقت امر واقف گردم و بتوانم نسبت باین دعوی قضاوت نمایم ؟

گفتم : موضوع بسیار مهم است و نباید آنها کوچک فرض نمود یک طرف آن غصب است و طرف دیگر انکار ! و برای کشف حقیقت لازم است توجه خاصی مبذول شود ، این قضیه را نباید با شتاب و عجله فیصل دهی و با احضار آنها و با شهادت شهود و یا وسایل دیگر فوراً در باره آن حکم صادر کنی و بموضوع خاتمه دهی . بلکه باید نخست بفرزند کوچک خود بدون اینکه با او یا برادرش موضوع را در میان نهی ، دستور بدهی که شکایت خود را با دلایل و مستندات لازم شرح دهد و بعد بادر نظر گرفتن مدت مناسبی بفرزند بزرگ خود اخطار کنی که در ظرف مدت مقرر پاسخ شکایت و دادخواست را تهیه و تسلیم نماید مدتی که برای این امر باید در نظر گرفته شود در مرحله اول شش هفته بعد یک ماه و سه هفته و بالاخره حداقل ۱۵ روز باشد .

پس از وصول پاسخ دادخواست در صورتیکه آن پاسخ ناقص و یا خارج از موضوع باشد لازم است جریان فوق مجدداً تکرار گردد و بشاکی اخطار شود چنانچه در اثر رؤیت پاسخ طرف ادعای جدید یا دلایل تازه ای دارد تهیه و تقدیم کند یا ممکن است برادر بزرگتر اجازه بخواهد که شرح قضیه و جریان واقعه را خود مستقلاً بنویسد یا پرسش هائی از برادرش بنماید .

بدیهی است باید با این تقاضا نیز موافقت کنی و آن را بپذیری . پس از اینکه درجه تحقیق و نتیجه عمل باین مرحله رسید یکی از اعضاء خانواده را مأمور کنی که از آنها باز پرسى نماید البته تو در تمام این مدت نباید با فرزندان خود مواجه شوی .

پس از تحقیقات و باز پرسى های لازم پرونده برای صدور حکم از طرف تو حاضر و کامل است و میتوانی درباره آن قضاوت نمائی بدیهی است در خلال این جریان و در این دعوی کوچک فرزندان تو از لحاظ تهیه کاغذ و قلم و وسایل دیگر متحمل خساراتی خواهند شد و اوقات زیادی از تو و ایشان و دیگر اعضاء خانواده تلف خواهد گردید ، آرایش و صفای خانوادگی مبدل بکدورت و تیره گی خواهد گردید ، اعضاء خانواده نسبت

تأثیر زمان و مکان در فواین

یکی از آنها بدبین و بالاخره ممکن است با طول جریان دعوی، قضیه آنها را برای غلبه بیکدیگر بدروغ و احياناً به تقلب و جعل سوق دهد و اصولاً اصل موضوع را فراموش نمایند لیکن باتمام این احوال مسلماً منظور تو که کشف حقیقت است حاصل خواهد شد!

من نمیدانم این شخص تا چه حد گفته های مرا پذیرفت آیا مرا دیوانه خواند یا عاقل؟؟ ولی من جریان اقامه دعوی و طی مراحل دادرسی در دادگاه انگلستان را بدون مبالغه و اغراق برای او شرح دادم با این تفاوت که در جزئیات و برخی از تشریفات خاصی که غالباً در دعاوی پیدا میشود و مانع پیشرفت کار میگردد وارد نشده و از ذکر الفاظ و اصطلاحات فنی هم که برای اشخاص غیر حقوقی و عادی فهم آن مستح است خودداری نمودم .

بنظر من اجتماع بمنزله خانواده بزرگی است که می توان دعاوی بین افراد ملت را مانند دعاوی بین افراد و اعضاء یک خانواده حل و فصل نمود .

من میل داشتم طرفداران تشریفات دادرسی های معمولی امروز بمن بگویند علت اینکه آئین دادرسی خصوصی و خانوادگی را که بعدالت واقعی نزدیکتر و رسیدن بان سریع تر است ، نمی توان در دعاوی عمومی بکار برد ، چیست ؟ و استفاده از آن چه مانعی دارد ؟ .

من از کسانی هستم که طرز دادرسی قضات اسلامی را می پسندم و آن را نیکو و مفید میدانم زیرا در آنجا قاضی مانند یک نفر رئیس خانواده که بخواهد افراد عائله خود را محاکمه کند دعاوی بین افراد مختلف را حل و فصل میکند و پای بند این همه تشریفات زاید نیست !! .

عجب این است که این نوع تشریفات زاید از بقایای عهد توحش نیست و از آثار تمدن عصر حاضر است ، بلکه بعکس در تاریخ دیده ایم که قضات قدیم انگلستان می توانستند با احضار طرفین دعوی و استماع دلایل و شهادت شهود فوراً بصدور حکم مبادرت نمایند و هیچ نیازی بوقیل مدافع یا تشریفات زاید نبوده است ، معلوم نیست چرا آن طرز ساده و مفید متروک مانده و محاکم جدید از آن طریقته پیروی نمی نمایند؟؟!

